Email:
isqt@sku.ac.ir
website:
https://isqt.sku.ac.ir

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology

Shahrekord University

The impact of Tawakkul on overcoming problems and creating peace in life, based on the verses of the Quran and narrations of the Infallible Imams (peace be upon them)

Tayebeh Rezai[1]

[1] Graduate of the University of Quran and Hadith Sciences, Department of Interpretation of Works, Tehran University of Quran and Hadith Sciences

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:
Tawakkul, Hope, Tranquility, Quran, Hadith

Received: 2025/06/11
Accepted:2025/07/08

***Corresponding author:**
t.rezaie@yahoo.com

How to cite this paper:
Rezai, T., (2025). The impact of Tawakkul on overcoming problems and creating peace in life,based on the verses of the Quran and narrations of the Infallible Imams. Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology. 2(2): 62-80.

ABSTRACT

The purpose of this research is to elucidate the concept of Tawakkul (reliance on God) in the Quran, using narrations, and to examine its effects in confronting life's challenges. It also aims to provide strategies for strengthening this valuable trait to improve the quality of life, resolve problems, and foster a spirit of hope and tranquility in life. The research method is a combination of library methods (studying religious texts, especially the Quran and the narrations of the infallible Imams) and content analysis. These studies were conducted by referring to the Holy Quran and examining 48 verses that contain the word Tawakkul or its derivatives. The findings indicate that Tawakkul, as a fundamental principle in Islamic teachings, plays a significant role in facilitating problem-solving, alleviating anxiety and stress in life, and strengthening hope and tranquility. Numerous verses and narrations emphasize the importance of Tawakkul and its positive effects on human life. However, what is more emphasized in this article is a practical approach to Tawakkul in life for confronting problems such as depression, fear, and despair.

DOI: 10.22034/isqt.2025.15268.1021

دوفصلنامه مطالعات
بین رشته‌ای قرآن و الهیات

ایمیل:
isqt@sku.ac.ir
وبسایت:
https://isqt.sku.ac.ir

تأثیر توکل بر رفع مشکلات و ایجاد آرامش در زندگی با تکیه بر آیات قران و روایات معصومین (علیهم السلام)

طیبه رضائی[1]

[1] دانش آموخته دانشگاه علوم قرآن و حدیث، گروه آموزشی تفسیر اثری دانشگاه علوم قرآن و حدیث تهران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی پژوهشی

واژگان کلیدی:
توکل، امید، آرامش، قرآن، حدیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

*** پست الکترونیکی نویسنده مسئول:**

t.rezaie@yahoo.com

ارجاع: رضایی، ط.، ۱۴۰۴، تأثیر توکل بر رفع مشکلات و ایجاد آرامش در زندگی با تکیه بر آیات قران و روایات معصومین (علیهم السلام)، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲)، ۶۲-۸۰

چکیده

هدف از این پژوهش، تبیین مفهوم توکل در قرآن با استفاده از روایات و بررسی آثار آن در مواجهه با چالش‌های زندگی، و ارائه راهکارهایی برای تقویت این ویژگی ارزشمند برای بهبود کیفیت زندگی در رفع مشکلات و ایجاد روحیه امید و آرامش در زندگی است. روش تحقیق، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای (مطالعه متون دینی بویژه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام) و تحلیل محتوا است. و این مطالعات با مراجعه به قرآن کریم و بررسی ۴۸ آیه از قرآن که واژه توکل یا مشتقات آن آمده‌است، انجام شده‌است، یافته‌ها نشان می‌دهد که توکل، به عنوان یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی، نقش مهمی در تسهیل حل مشکلات، رفع اضطراب و استرس در زندگی و تقویت امیدواری و آرامش ایفا می‌کند. آیات و روایات متعددی بر اهمیت توکل و آثار مثبت آن در زندگی انسان تأکید دارند. آنچه در این پژوهش بیشتر مد نظر است نگاه کاربردی به توکل در زندگی در مقابله با مشکلاتی همچون افسردگی و ترس و ناامیدی است.

DOI: 10.22034/isqt.2025.15268.1021

مقدمه

توکل از جمله مواردی است که در بسیاری از آیات قرآن بدان اشاره و بر داشتن این خصلت تاکید شده و معصومین علیهم السلام نیز که شارحان وحی می‌باشند بر این مهم تاکید ورزیده‌اند و آن را یکی از برترین اعمال نزد خداوند دانسته اند، و در قرآن نیز بارها بر این موضوع اشاره شده است. «فَتَوَكَّلْ عَلَىَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يحُبُّ الْمُتَوَكِّلِين» «بر خدا توکل کن، زیرا خدا متوکلان را دوست دارد»(آل عمران/ ۱۵۹).

اما آنچه نگارنده مقاله را به نوشتن این مطلب ترغیب نموده، جایگاه توکل در زندگی روزمره و کاربرد آن در رفع مواردی همون اضطراب و نگرانی‌های مبتلابه در جامعه و رسیدن به یک زندگی در آرامش و نشاط در سایه‌ی دستورالعمل‌هایی که می‌توان از قرآن حدیث در این‌باره آموخت، است. اصلی ترین سوالاتی که موجب نگارش این مقاله شد: توکل چگونه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و دستیابی به یک زندگی با مشکلات کمتر به ما کمک کند؟ سوالات فرعی پژوهش عبارتست از؛ توکل از دیدگاه منابع اسلامی(قرآن و روایات معصومین)چگونه تبیین شده‌است؟ آیا توکل بر کاهش اضطراب و ایجاد آرامش نقش دارد؟ چه رفتارهایی مخالف توکل واقعی‌است؟و با چه رویکردی می‌توان در دام این رفتارها گرفتار نشد؟ که البته آنچه که در این تحقیق انتظار می‌رود، این است که نتایج آن نشان دهنده تاثیر مثبت توکل بر از بین رفتن اضطرای و ایجاد امید و درنهایت رسیدن به آرامش در افراد باشد.

با توجه به اینکه مشکلات در زندگی امروزه، به دلایل مختلفی که انسان‌ها در این دوران با آن مواجه هستند نسبت به گذشته افزایش یافته و به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در مواجهه با این مشکل، کم شدن توکل و اعتماد به خداوند است و این امر موجب بوجود آمدن احساس ناامیدی و یأس در افراد جامعه که نهایتا می‌تواند فرد را از تلاش و کوشش بازدارد و او را منفی نگر و مضطرب و پر استرس کند، و این همان چیزی است که ما امروزه در جامعه خود شاهد آن هستیم، از این رو این پژوهش در مورد تاثیر توکل بر بهبود زندگی، البته از منظر آموزه‌های اسلامی و با تکیه بر آیات قرآن و روایات معصومین انجام شد، تا راه‌های بیرون آمدن از بحران‌ها و سختی‌هایی که افراد جامعه با آن روبروهستند را با توجه به کلام خداوند و سخن معصوم علیه السلام دریابیم.

در این تحقیق بیشتر از روش توصیفی، تحلیلی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا به توصیف مفهوم توکل در قرآن و حدیث پرداخته می‌شود و سپس آثار و پیامدهای توکل با استناد به آیات و روایات تحلیل و دسته بندی می‌شوند. و برای جمع‌آوری داده‌ها به منابع اولیه که شامل قرآن کریم، کتب معتبر حدیثی شیعه: از جمله کتب اربعه (کلینی،۱۳۸۷؛ صدوق۱۳۸۵؛ طوسی،۱۳۶۵) و نهج البلاغه و سایر منابع معتبر حدیثی و در صورت لزوم از کتب معتبر اهل سنت استفاده شده است.

از نظر پیشینه توکل از مواردی است که تا کنون مورد توجه بسیاری از مسلمانان از جمله پژوهشگران قرآنی و نویسندگان موضوعات قرآنی بوده و بدان توجه شده است. از جمله کتب متقدمین حدیث شیعه، نظیر مرحوم کلینی که در جلد دوم کتاب ارزشمند کافی بابی را تحت این عنوان قرار داده است و همچنین در بسیاری منابع معتبر دیگر حدیثی کهن به آیات و روایاتی در این باب اشاره شده است.

و البته در آثار نوشته‌های معاصر هم تا جایی که نگارنده جستجو نموده بدین امر پرداخته شده، کتب و مقالاتی با محوریت توکل نوشته شده که به عنوان مثال می‌توان به دو کتاب: ۱.توکیل و تفویض از منظر فقه و حقوق نوشته‌ی دکتر زهرا یوسفی، ۲. کتاب توکل نوشته‌ی حسین روحانی؛ اشاره کرد و البته مقالات و پژوهش‌های بسیاری روی این موضوع از باب مقایسه با تسلیم و رضا و یا تفویض امور به خداوند انجام شده است.

اما آنچه نگارنده مقاله را به نوشتن این مطلب ترغیب نموده، جایگاه توکل در زندگی روزمره و کاربرد آن در رفع مواردی نظیر اضطراب و نگرانی‌های مبتلابه در جامعه و رسیدن به یک زندگی در آرامش و نشاط در سایه‌ی دستورالعمل‌هایی که می‌توان از قرآن حدیث در این‌باره آموخت، است.

توکل از منظر قرآن و روایات معصومین (ع)، یک فضیلت اخلاقی صرف نیست، بلکه ریشه‌ای عمیق در جهان‌بینی توحیدی و نظام فکری اسلام دارد. مبانی نظری توکل، چه در قرآن و چه در روایات، به وضوح نشان می‌دهد که توکل یک سکون و انفعال نیست، بلکه اوج فعالیت قلبی در کنار تلاش عملی و اعتماد کامل به مدبر هستی است. آثار و برکات توکل در زندگی فردی و اجتماعی، از آرامش روحی تا پیروزی و رزق، از جمله وعده‌های الهی است که با تحقق توکل واقعی به دست می‌آید.

توکل، به عنوان یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی، نقش مهمی در تسهیل حل مشکلات، تقویت امیدواری و ایجاد آرامش درونی ایفا می‌کند. با توکل به خداوند، انسان قادر است با چالش‌های زندگی به طور مؤثرتری مقابله کند، امید خود را حفظ کند و از زندگی خود لذت ببرد. برای تقویت توکل در زندگی، می‌توان از راهکارهای متعددی مانند تقویت ایمان، یادآوری نعمت‌های خداوند، دعا و نیایش، مطالعه داستان‌های افراد متوکل، و عمل به وظایف دینی استفاده کرد.

۱-مفاهیم

۱-۱-قرآن

قرآن، در اصل مصدر است و به کتابی که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اختصاص پیدا کرده است گفته می شود.چنان‌که برخی علما گفته‌اند: وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است (راغب اصفهانی،۱۴۱۲ق: ۴۰۲/۱). قرآن کریم یکی از ابزارهای اتمام حجت خداوند بر بندگان می باشداتمام حجت خدا بر انسان‌ها با نازل کردن قرآن: یـایها الناس قد جآءکم برهـن من ربکم وانزلنآ الیکم نورا مبینا (ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما برهان و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش) آمد و نور روشنگری به سوی شما نازل کردیم). و لقد انزلنا الیکم ءایـت مبینـت و مثلا من الذین خلوا من قبلکم وموعظۀ للمتقین. لقد انزلنا ءایـت مبینـت والله یهدی من یشاء الی صرط مستقیم (نساء/۱۷۴).

۱-۲-حدیث

حدیث در لغت به معنای چیز تازه و ضد قدیم است. و به کلام و خبر نیز حدیث می گویند،(فراهیدی،۱۴۰۹ق؛ ۱۷۷/۳) احمد بن فارس می گوید (ح د ث) یک ریشه دارد که بر ناپیدایی که پیدا شده دلالت می کند. گفته می‌شود

چیزی پیدا نبود سپس پیدا شد.«حدیث» هم از همین باب است، چون سخنی است که اندک اندک یکی پس از دیگری پیدا می‌شود (ابن فارس،۱۴۰۴ق: ۳۶/۲). واژه حدیث در قرآن، ۲۳ بار به صورت مفرد و ۵ بار به صورت جمع آمده است. کاربرد واژه حدیث به صورت مفرد و جمع در قرآن برای اشاره به سرگذشت پیشینیان و در موارد متعددی به معنای مطلق کلام و خبر به کار رفته است. حدیث در اصطلاح: عالمان و محدثان، حدیث را به صورت‌های مختلف تعریف کرده‌اند. شهید ثانی (رضوان‌الله علیه) پس‌از آنکه می‌گوید خبر و حدیث مترادفند، آورده است: مراد از خبر، حدیث است؛ اعم از اینکه قول پیامبر (ص) می‌باشد یا امام (ع)، و قول صحابی باشد یا تابعی و یا عالمان و صالحان و همگنان آنان، و چنین است فعل و تقریر آنها. این معنا در استعمال این واژه مشهورتر است و با عموم معنای لغوی سازگارتر(شهید ثانی،۱۴۰۸ق:۵۰).

۱-۳- توکل

توکل از ریشه «و-ک-ل» به معنای اظهار عجز و اعتماد به غیر و سپردن امر خود به دیگری است، در قرآن نیز به همین معنای اخیر است. خداوند در همه امور زندگی و سپردن سرنوشت خود به او، می‌تواند منبعی عظیم از قدرت، امید و آرامش برای انسان باشد. با توکل، انسان به این باور می‌رسد که خداوند همواره پشتیبان اوست و در سخت‌ترین شرایط نیز او را تنها نخواهد گذاشت. این باور، به انسان قدرت مقابله با مشکلات را می‌بخشد و او را از یاس و ناامیدی رها می‌کند. همچنین «توکل» در لغت به معنای واگذار کردن کار خویش به دیگری است. این کلمه مصدر از باب تفعل و از مادهٔ «وکل» می‌باشد. که به دو معنای ولایت پذیری «توکلت لفلان» به معنای «تولیتُ» و اعتماد کردن به دیگری «توکلت علیه» یعنی «اعتمدتُه» به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷۳۶- ۷۴۳). صاحب نظران در معنای اصطلاحی آن می‌گویند: توکل به خداوند یعنی: واگذاری امور به حق و نیز وکیل، به معنای حفیظ و نگه دارنده و سرپرستی می‌باشد (طوسی،۱۳۶۴ق: ۳۲/۳ و ۵۲). این مفهوم در منطق قرآن به معنای اعتماد کردن بر خدا و او را ولی و وکیل خود قرار دادن است و بر اثر آن، از حجم مشکلات و انبوه موانع نهراسیدن، که این یکی از نشانه‌های ایمان است و از عوامل پیروزی و موفقیت در مبارزه‌ها به شمار می‌آید (مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ۵۴۱/۱۵).

۱-۴- امید

امید در لغت به معنای گمان وقوع خیری ممکن‌الحصول در آینده آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۴۶؛ عسگری، ۱۴۰۰ق:۲۴۸/۱؛ مصطفوی،۱۳۶۸ :۷۰/۴) معانی ترس، توقع، انتظار و شوق نیز برای آن ذکر شده است (طریحی،۱۳۷۵: ۱۵۵/۲؛ شعرانی،۱۳۹۸ق: ۲۹۷/۱؛ تهانوی،۱۹۹۶م :۸۴۴/۱) شاید بتوان گفت این معانی به لوازم معنای امید یا به بخشی از آن اشاره دارد، زیرا از آن رو که متعلق امید امری ممکن الحصول است نه قطعی، و ترس از تحقق نیافتن آن وجود دارد امید را به خوف معنا کرده‌اند و از آن رو که متعلّق امید، امری خیر و مسرّت بخش است و طبعاً موجب اشتیاق شخص امیدوار به آن امر شده و حالت انتظار و توقع به او دست می‌دهد، امید را به توقع و شوق و انتظار معنا کرده‌اند. برخی از امام باقر(ع) نقل کرده‌اند که امیدبخش‌ترین آیات، آیه ۵ سوره ضحی است(ضحی/۵): «ولَسَوفَ یُعطیکَ رَبُّکَ فَتَرضی»(طبرسی،۱۳۶۳ق: ۷۶۵/۱۰؛ فخر رازی،۱۹۹۹م: ۲۱۳/۳۱؛ سیوطی،۱۳۱۴ق: ۳۹۱/۶) در تفسیر المیزان مرحوم علامه در شرح آیه آورده است: «و می‌فرماید: در زندگی آخرت

خدای تعالی آن قدر به تو عطا می‌کند تا راضی شوی، هم عطای خدا را مطلق آورده، و هم رضایت رسول خدا (ص) را. ولی بعضی (آلوسی،۱۴۱۵: ۱۶۰/۳۰) از مفسرین گفته‌اند: این آیه ناظر است به هر دو زندگی رسول خدا (ص)، هم به زندگی دنیایی‌اش، و هم به زندگی آخرتیش. (طباطبایی،۱۳۷۴: ۵۲۳/۲۰)

۱-۵- آرامش

آرامش به آرام بودن، عدم حرکت و همچنین به معنی سکون داشتن و طمأنینه است که در باب صلات آمده است . (طباطبایی یزدی،۶۴۱/۱۳۹۲:۱؛ نجفی جواهری،۱۳۶۲: ۲۴۵/۹). دستیابی به آرامش واقعی یکی از خواسته‌ها و آرزوهای همیشگی بشر بوده‌است. آرامش، اسم مصدر از آرمیدن است، و در برابر اضطراب و دلهره به کار می رود و به حالت و صفت روانی و قلبی خاص (آسودگی خاطر، ثبات و طمانینه) گفته می‌شود. آرامش در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است. که بعد اجتماعی آن در مدخل امنیت آمده است. در این مدخل از واژه‌های «اطمینان»، «تثبیت فؤاد»، «ثبات»، «ربط قلب»، «سکن»، «سکینه»، «لاخوف علیهم و لاهم یحزنون» (یونس/۶۲) استفاده شده است.

۱-۶- توکل در قرآن

در قرآن مجید مشتقات توکل در ۴۸ آیه از ۲۸ سوره و ۷۰ بار آمده است. هشت آیه وجود دارد که صراحتاً رابطه ایمان و توکل را مطرح می‌فرماید و تأثیر مستقیم ایمان بر توکّل را نشان می‌دهد: آیات مبارکه ۱۱۹ از سوره آل عمران، ۵۲ از سوره التّوبه، ۱۵ از سوره مائده، ۱۲ از سوره مجادله، ۱۶ و ۱۵ از سوره ابراهیم، ۱۴ از سوره تغابن و ۶۴ از سوره الانفال و آیات دیگر.

۲- مبانی نظری توکل از منظر قرآن کریم

همانطور که قبلاً ذکر شد، مبانی توکل در قرآن ریشه در اصول اعتقادی اسلام دارد؛

۲-۱- توحید افعالی و ربوبیت الهی

تأکید بر اینکه خداوند یگانه تدبیرکننده و خالق افعال است و هیچ موجودی مستقل از اراده او توانایی تأثیر ندارد (مانند: «اللّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (زمر/ ۶۲). درک این حقیقت که هر فعلی در عالم به اذن و اراده خداوند صورت می‌گیرد، زمینه را برای واگذاری امور به او فراهم می‌کند. چنانچه مرحوم علامه در تفسیر المیزان آورده‌اند: [اشاره به وحدانیت خدا در ربوبیت با بیان اینکه او خالق همه چیز و وکیل بر همه چیز است]" وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ" و این بدان جهت است که خلقت و هستی هر چیز منتهی بدو است، و این اقتضا دارد که او مالک هر چیز باشد، پس هیچ موجودی از موجودات مالک چیزی نیست، نه خودش را و نه چیز دیگر را که از وجود خودش ترشح می‌شود، مگر به تملیکی از خدای تعالی، پس هر چیزی که تصور شود، به خاطر فقر مطلقش مالک هیچ تدبیری نیست. و خدا مالک تدبیر آن است.

و اما تملیک خدا نسبت به هستی آن موجود، و عمل آن، نیز نوعی از تدبیر خدا است و ملک او را تاکید می‌کند، نه اینکه با مالکیتش منافات داشته باشد، حتی اگر ملائکه را وکیل خود بر چیزی از امور می‌کند این خود قوت

وکالت خودش را می‌رساند، نه اینکه امری را به آن ملائکه تفویض کرده باشد، و دست وکالت خود را بسته باشد، (بخلاف تملیک ما و توکیل ما، که وقتی چیزی را به کسی تملیک می‌کنیم، دیگر خود مالک آن نیستیم، و یا اگر کسی را وکیل در کاری می‌کنیم دامنه دخل و تصرفات خود را کمتر می‌کنیم). وقتی هر موجودی از موجودات که فرض شود مالک خود نباشد، قهرا خدای سبحان وکیل او و قائم مقام او و مدبر امر او خواهد بود، حال چه اینکه موجود فرض شده از اسباب عالم باشد و چه از مسببات، پس هر چه باشد خدای سبحان یگانه، رب او است. پس جمله مورد بحث در این مقام است که به یگانگی خدا در ربوبیت اشاره کند(طباطبایی،۱۳۷۴: ۴۳۷/۱۷).

۲-۲- علم و قدرت مطلق خداوند

علم و قدرت خداوند در قرآن، دو صفت ذاتی و جدانشدنی از او هستند که در آیات متعددی به آن‌ها اشاره شده است. تفاسیر قرآن، این دو صفت را به عنوان پایه‌های اصلی توحید و شناخت خداوند معرفی می‌کنند.

در مورد علم خداوند، قرآن می‌فرماید: «وَ عِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَیبِ لَا یَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ یَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا یَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا یَابِسٍ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ» (أنعام/ ۵۹). این آیه بیان می‌کند که کلیدهای غیب تنها نزد خداست و اوست که به همه چیز در خشکی و دریا آگاه است. هیچ برگی از درختی نمی‌افتد مگر آنکه او از آن آگاه است و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است. مفسران در تفسیر این آیه می‌گویند که علم خداوند، علمی ازلی و ابدی است که هیچ چیز از آن پنهان نیست و همه چیز را در بر می‌گیرد.

در مورد قدرت خداوند، قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَی کلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ» (بقره/ ۲۰). این آیه به صراحت بیان می‌کند که خداوند بر هر چیزی تواناست. مفسران در تفسیر این آیه می‌گویند که قدرت خداوند، قدرتی مطلق و بی‌نهایت است که هیچ محدودیتی ندارد و هر چیزی را که بخواهد می‌تواند انجام دهد. قدرت خداوند نه تنها در آفرینش جهان و موجودات، بلکه در اداره و تدبیر آن‌ها نیز مشهود است. به طور خلاصه، علم و قدرت خداوند دو رکن اساسی در شناخت او هستند که در آیات قرآن به آن‌ها تأکید شده است. این دو صفت نشان می‌دهند که خداوند، دانای مطلق و توانای مطلق است و هیچ چیز از دایره علم و قدرت او خارج نیست.

۲-۳- حکمت و رحمت واسعه الهی

در مورد حکمت و رحمت واسعه الهی، می‌توان به آیات متعددی در قرآن کریم اشاره کرد که این صفات را برجسته می‌سازند. تفاسیر مختلف نیز با استناد به این آیات، ابعاد این مفاهیم را روشن کرده‌اند. در سوره بقره آیه ۱۱۵ می‌خوانیم: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَیْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِیمٌ».تفسیر المیزان، ذیل این آیه، بیان می‌شود که وسیع بودن خداوند به علم و رحمت او بازمی‌گردد. یعنی رحمت و علم خداوند شامل همه چیز است و در هیچ حدی محصور نمی‌شود.

همچنین در معنای ولله المشرق و المغرب...(بقره /۱۱۵)آمده است: مشرق و مغرب و جنوب و شمال و هر جهت دیگر از آنجا که بحقیقت معنای کلمه ملک خداست و ملک حقیقی هم تبدل و انتقال نمی‌پذیرد و چون ملک اعتباری میانه ما افراد یک اجتماع نیست، و نیز از آنجا که ملک خدا بر ذات هر چیزی قرار می‌گیرد، خودش و آثارش را شامل میشود، و چون ملک اعتباری ما نیست که تنها متعلق به اثر و منفعت هر چیز میشود، نه بذات آن،

و نیز از آنجا که ملک بدان جهت که ملک است قوامی جز بمالک ندارد، لذا خدای سبحان قائم بر تمامی جهات و محیط بان است، در نتیجه کسی که به یکی از این جهات متوجه شود، بسوی خدای تعالی متوجه شده است. (طباطبایی،۱۳۷۴: ۳۹۰/۱)

در هر صورت می‌توان گفت: افعال خداوند بر اساس حکمت بالغه و رحمت بی‌پایان است، حتی اگر در ظاهر برای انسان نامفهوم باشد مانند:«وَعَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره/۲۱۶) انسان متوکل می‌داند که آنچه از سوی خداوند مقدر می‌شود، خیر و صلاح اوست، حتی اگر در ابتدا ناخوشایند به نظر برسد.

۲-۴- رزاقیت خداوند

خداوند خود را رازق همه موجودات معرفی می‌کند و روزی را تضمین می‌نماید، و آیاتی مانند: «وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود/ ۶). شاهد این مدعا هستند. و در تفسیر آیه آمده است؛ «رزق» به معنای بخشش مستمرّ است، چه مادّی و چه معنوی، و لذا در دعا می‌خوانیم: اللّهم ارزقنی ... قلباً خاشعاً ... و لساناً ذاکراً ... و علماً نافعا (مجلسی،۱۳۱۵ق:۲۵۸/۹۵) رزقی که خداوند می‌دهد از هر جهت مناسب با موجودات است، مثلًا غذای کودک در شکم مادر به تناسب نیاز او تغییر می‌کند تا آنکه پس از تولّد تبدیل به شیری گوارا می‌شود و الّا انسان با چه قدرتی می‌توانست به نوزاد در رحمِ مادر غذا برساند و یا نوزاد چگونه می‌توانست غذای خود را بدست آورد. «وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُها»(عنکبوت/۶۰) (قراعتی،۱۳۸۸: ۲۱/۴) پس وقتی رزق تمام موجودات بر عهده خداوند است و هیچ موجودی بدون رزق نمی‌ماند، تنها باید بر خدا توکل نمود. البته برای درک بهتر و عمیقتر این معنا به کتب دیگر دانشمندان بزرگ علوم اسلامی ملنند ملا محسن فیض کاشانی که در محجهٔ البیضاء در باب توکل، مرجعه نمود.

۲-۵- محبت خداوند نسبت به متوکلین

در قرآن کریم، آیات متعددی به موضوع توکل اشاره دارند که به برخی از آنها اشاره شد، اما در ادامه، برای تفهیم بهتر یک آیه را به همراه تفسیر می‌آوریم: در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (پس هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده اند: «و چون خدای تعالی تو را به خاطر اینکه به او توکل کرده‌ای دوست می‌دارد در نتیجه ولی و یاور تو خواهد بود، و درمانده‌ات نخواهد گذاشت و به همین جهت که اثر توکل به خدا یاری و عدم خذلان است، دنبال این جمله فرمود:« إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ ...» و مؤمنین را هم دعوت کرد به توکل و فرمود: اگر خدا شما را یاری کند کسی نیست که بر شما غلبه کند، و اگر شما را درمانده گذارد کیست که بعد از خدا شما را یاری کند؟ آن گاه در آخر آیه با بکار بردن سبب توکل (که ایمان باشد) در جای خود مؤمنین را امر به توکل نموده و می‌فرماید:« وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»، یعنی مؤمنین به سبب اینکه ایمان به خدا دارند و ایمان دارند به اینکه ناصر و معینی جز او نیست باید فقط بر او توکل کنند.»(طباطبایی، ۱۳۷۴ :۴ /۸۸).

این آیه نشان می‌دهد که توکل، بعد از تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف، جایگاه ویژه‌ای دارد. یعنی انسان باید تمام تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار گیرد و سپس نتیجه را به خداوند بسپارد. و هنگامی که انسان

یاوری چون پروردگار عالمیان را در کنار خور داشته باشد، می تواند غرق در امید و آرامش باشد و هیچ هراسی در زندگی نداشته باشد، چه بسا که در این آیه طبق تفسیر مرحوم علامه، خداوند در ابتدا خود به عنوان ولی و یار پیامبر معرفی کرده و بعد در ادامه مومنین را هم به توکل دعوت نموده، و هر فردی که به این باور برسد که خداوند یاور و پشتیبان اوست، دیگر دغدغه‌ای ندارد و با آرامش زندگی می کند.

همچنین، در آیه ۳ سوره طلاق می‌خوانیم: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ به درستی که خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است). این آیه به این نکته اشاره دارد که خداوند برای کسانی که به او توکل می کنند، کافی است و نیازهای آن‌ها را برآورده می کند.

۳- مبانی نظری«توکل» در احادیث اسلامی

روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) علاوه بر تأیید مبانی قرآنی، ابعاد عملی و ظریف‌تری از توکل را تبیین می کنند و اهمیت فوق العاده‌ای به این ارزش اخلاقی داده شده تا آنجا که آثار و برکاتی برای آن بیان گردیده که برای کمتر صفتی می‌توان یافت، روایات زیر را که از میان آنها گلچین کرده‌ایم و دقایق لطیفی که در آن است نمونه خوبی برای این مقصود محسوب می‌شود:

۳-۱- رابطه توکل و ایمان

امیرمؤمنان علی(ع) فرموده است: «فی التوکل حقیقة الایقان؛ حقیقت یقین در توکل است» یا در حدیثی ازامام علی(ع)آمده است که فرمودند: «التَّوَكُّلُ مِن قُوَّةِ اليَقينِ» (توکل، از نشانه‌های نیرومندی یقین است) (تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۵/ح۶۴۸۴) . این حدیث نشان می‌دهد که توکل، ناشی از ایمان و یقین قوی به خداوند است و هر چه ایمان انسان قوی‌تر باشد، توکل او نیز بیشتر خواهد بود.

۳-۲- توکل و عمل (کسب)

- روایات: تأکید فراوان بر اینکه توکل به معنای ترک عمل و تلاش نیست بلکه توکل صحیح، یعنی تلاش حداکثری در چارچوب سنت‌های الهی و سپس واگذاری نتیجه به خدا.
- مثال: امام صادق (ع): «مردی به پیامبر(ص) گفت: شترم را رها کنم و توکل کنم؟ پیامبر(ص) فرمود: ببند و توکل کن.» (کلینی،۱۳۸۷ :۶۵/۲).

توکل حقیقی، فعالیتی قلبی است که در کنار فعالیت جسمی و عقلی معنا می‌یابد.در حدیث دیگری آمده‌است: رَأى رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله قَوْما لا يَزْرَعونَ قالَ: ما أنْتُمْ؟ قالوُا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلونَ، قالَ: لا، بَلْ أنْتُمْ المُتَّكِلونَ؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله گروهی را که کشت و کار نمی کردند، دیدند و فرمودند: شما چه کاره‌اید؟ عرض کردند ما توکل کننده‌گان هستیم. فرمودند: نه، شما سر بارید. به عبارت دیگر، مفهوم «توکل» در آموزه‌های قرآن این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشهٔ انزوا بخزد و بگوید: تکیه‌گاه من فقط خداست، بلکه مفهوم «توکل» این است که هر گاه انسان نهایت تلاش و کوشش خود را به کار بست و نتوانست مشکل را حل کند و موانع را از سر راه خود کنار بزند؛ وحشتی به خود راه ندهد و با اتکاء به لطف پروردگار و استمداد از

ذات پاک و قدرت بی‌پایان او ایستادگی به خرج دهد و به جهاد و کوشش پیگیر خود ادامه دهد؛ حتی در جایی هم که توانایی دارد، خود را بی نیاز از لطف خدا نداند چرا که تمام قدرت‌ها از جانب اوست.

۳-۳- توکل به معنای اعتماد به خدا و نه بیگانگی از اسباب

- روایات: معصومین (ع) خودشان از اسباب ظاهری بهره می‌بردند و دیگران را نیز به آن تشویق می‌کردند. توکل یعنی نپنداشتن استقلال اسباب در تأثیرگذاری.
- مثال: حدیث امام علی (ع): «توکلت علی الله کفانی؛ توکلت علی الله و لا حول و لا قوه الا بالله» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳ ، ح ۲۰۱۲).

پس می‌توان دریافت، قلب انسان باید تنها به خدا گره خورده باشد، هر چند دست و پایش برای به کارگیری اسباب حرکت کند.

۳-۴- توکل و رضایت به قضاء الهی

- روایات: یکی از ثمرات مهم توکل، رسیدن به مقام رضا و تسلیم در برابر قضا و قدر الهی است.
- مثال: امام صادق (ع): «کسی که بر خدا توکل کند، خدا امور او را کفایت کند.» (طبرسی،۱۳۱۴ق: ۳۶۰).

در نتیجه متوکل واقعی، در برابر سختی‌ها و ناگواری‌ها نیز صبر پیشه می‌کند و به تدبیر خداوند راضی است.

۳-۵- توکل، موجب عزت و بی‌نیازی از خلق

- روایات: کسی که بر خدا توکل کند، خداوند او را از محتاجی به دیگران بی‌نیاز می‌گرداند و عزت نفس او را زیاد می‌کند.
- مثال: امام علی (ع): «هر کس بر خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان گردد و اسباب برای او فراهم شود.» (آمدی تمیمی،۱۳۸۳: ح ۸۸۶۳).

- در حدیثی از رسول خدا (ص) می خوانیم: «من سره ان یکون اقوی الناس فلیتوکل علی الله؛ کسی که دوست دارد قوی ترین مردم باشد بر خدا توکل کند» همچنین امام صادق علیه السلام میفرماید: «إن الغنی و العز یجولان ، فإذا ظفرا بموضع التوکل أوطنا» (بی نیازی و عزّت به هر طرف می‌گردند و چون به جایگاه توکل دست یافتند در آنجا قرار می گیرند) (کلینی،۱۴۰۷ق).

این حدیث نشان می‌دهد که توکل، ناشی از ایمان و یقین قوی به خداوند است و هر چه ایمان انسان قوی‌تر باشد، توکل او نیز بیشتر خواهد بود.

همچنین، در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّ الْغَنِیمَةَ الْبَارِدَةَ هِیَ التَّوَکُّلُ» (به راستی که غنیمت خنک، توکل است.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق:۱۴۰/۶۷) این حدیث، توکل را به عنوان یک غنیمت ارزشمند معرفی می‌کند که به راحتی به دست می‌آید و فواید زیادی برای انسان دارد.و از این غنیمت می‌توان جهت بی‌نیازی از دیگران استفاده نمود. پس توکل موجب قطع طمع از غیر خدا و روی آوردن خالصانه به اوست.

۳-۶- توکل، نشانه کمال ایمان

- روایات: توکل را یکی از نشانه‌های ایمان راستین و درجات بالای یقین معرفی می‌کنند.
- مثال: امام باقر(ع): «ایمان، معرفت و توکل بر خداست.» (کلینی،۱۴۰۷ق: ۶۵/۲).

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی(ع) آمده است: «فی التوکل حقیقة الایقان؛ حقیقت یقین در توکل است» یا در حدیثی ازامام علی (ع)آمده است که فرمودند: «التَّوَکُّلُ مِن قُوَّةِ الیَقینِ» (توکل، از نشانه‌های نیرومندی یقین است) (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳:ح۴۴)

و از مجموعه احادیث این بخش می‌توان دریافت: هر چه ایمان انسان قوی‌تر باشد، توکل او نیز عمیق‌تر خواهد بود.

۴-توکل و حل مشکلات و ایجاد امید و آرامش از منظر قرآن کریم

توکل، به عنوان یک عامل روانشناختی، می‌تواند تأثیر بسزایی در فرایند حل مشکلات داشته باشد. با توکل، انسان از اضطراب و نگرانی ناشی از مشکلات رها می‌شود و با ذهنی آرام و متمرکزتر به دنبال راه حل می‌گردد. علاوه بر این، توکل به انسان امید می‌دهد که خداوند او را در حل مشکلات یاری خواهد کرد و این امید، انگیزه و تلاش او را برای یافتن راه حل افزایش می‌دهد. در این بخش بطور جداگانه به مبحث مشکلات از منظر قرآن و روایات می‌پردازیم.

در قرآن کریم و هم در روایات اهل بیت (ع) آیه‌ها و روایات فراوانی وجود دارد که به صراحت یا به تلویح، بر گره‌گشایی و حل مشکلات از طریق توکل تأکید می‌کنند. هرچند هر آیه ای می‌تواند معانی و منظورهای متعددی را شامل شود مانند آیات زیر که هم برای رفع مشکلات و هم ایجاد امید و آرامش می‌توان آنها را مثال زد:

۴-۱- آیه ۳ سوره طلاق

یکی از صریح‌ترین و معروف‌ترین آیات در این باره، آیه سوم از سوره طلاق است که می‌فرماید: «وَمَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (۲) وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا (۳)» ترجمه: «و هر کس از خدا پروا کند، خداوند راه برون‌رفتی برایش قرار می‌دهد (۲) و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی‌اش می‌دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، پس همان او را کافی است. قطعاً خداوند کار خود را به انجام می‌رساند. در حقیقت، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است(۳).

الف. توضیح آیه در رفع مشکلات: در این آیه، به وضوح بیان شده که هر کس بر خداوند توکل کند، "فَهُوَ حَسْبُهُ"، یعنی خداوند برای او کافی است و امورش را کفایت می‌کند. این کفایت الهی شامل رفع مشکلات، گشایش در امور، و تأمین نیازها از راه‌های پیش‌بینی نشده (رزق من حیث لا یحتسب) می‌شود. این آیه به زیبایی ارتباط تقوا و توکل را با گشایش و حل مشکلات نشان می‌دهد.

ب. توضیح بر ایجاد امید و آرامش: عبارت "فَهُوَ حَسْبُهُ" (پس همان او را کافی است) اوج آرامش را به ارمغان می‌آورد. وقتی انسان بداند که خداوند برای همه امورش کافی است، دیگر نیازی به نگرانی و اضطراب نیست. این جمله به متوکل اطمینان می‌دهد که حتی اگر همه عالم علیه او باشند، تا زمانی که خداوند حامی اوست، هیچ چیز او را از پای در نخواهد آورد و این تکیه‌گاه محکم، بزرگترین منبع آرامش است.

۴-۲- آیه ۶۲-۶۳ سوره یونس

ازجمله آیات دیگری که در این مورد می‌توان بدانها اشاره کرد آیاتی از سوره یونس است که در این آیات شرح حال مؤمنان مخلص و مجاهد و پرهیزگار که درست نقطه مقابل آنان هستند(چون در آیات گذشته قسمت‌هایی از حالات مشرکان و افراد بی ایمان مطرح گردیده، تا با مقایسه- همانگونه که روش قرآن است- نور از ظلمت و سعادت از بدبختی شناخته شود.(مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ۳۳۳/۸)

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲) الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳) لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)» ترجمه: «آگاه باشید! یقیناً دوستان خدا نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند (۶۲) همان کسانی که ایمان آوردند و پرهیزکاری پیشه کردند (۶۳) برای آنها مژده و بشارت است در زندگی دنیا و در آخرت؛ سخنان خدا تغییرناپذیر است؛ این است رستگاری بزرگ(۶۴)»

هرچند این آیه مستقیماً واژه "توکل" را به کار نمی‌برد، اما مفهوم "اولیاء الله" (دوستان خدا) به طور ضمنی شامل متوکلین واقعی نیز می‌شود. ویژگی "نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند" (لا خوف علیهم و لا هم یحزنون) بیانگر اوج آرامش و امنیت روحی است که نتیجه‌ی اعتماد کامل به خداوند (توکل) است. این اعتماد، هر گونه ترس از آینده یا اندوه بر گذشته را از بین می‌برد و نوید بشارت و رستگاری را می‌دهد.

۴-۳-آیه ۱۶۰ سوره آل عمران

آیه دیگری است که بطور مستقیم به توکل اشاره کرده و حتی بر مسلمین برای داشتن توکل امر می‌کندآیه فوق می‌باشد که تفسیرآن در ادامه آمده است: «در این آیه که مکمل آیه گذشته است، نکته توکل بر خداوند بیان شده است و آن اینکه: قدرت او بالاترین قدرت‌هاست، به حمایت هر کس اقدام کند هیچ کس نمی‌تواند بر او پیروز گردد. همانطور که اگر حمایت خود را از کسی برگیرد هیچ کس قادر بحمایت او نیست، کسی که این چنین همه پیروزیها از او سرچشمه میگیرد، باید باو تکیه کرد، و از او کمک خواست»(مکارم شیرازی،۱۳۷۱: ۱۵۰/۳).

«إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران/۶۰)» ترجمه: «اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد؛ و اگر شما را واگذارد، پس چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.»

درتفسیر المیزان در مورد این آیه آمده است: «و چون خدای تعالی تو را به خاطر اینکه به او توکل کرده‌ای دوست می‌دارد در نتیجه ولی و یاور تو خواهد بود، و درمانده‌ات نخواهد گذاشت و به همین جهت که اثر توکل به خدا یاری و عدم خذلان است، دنبال این جمله فرمود:" إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ ..." و مؤمنین را هم دعوت کرد به توکل و فرمود: اگر خدا شما را یاری کند کسی نیست که بر شما غلبه کند، و اگر شما را درمانده گذارد کیست که بعد از خدا شما را یاری کند؟ آن گاه در آخر آیه با بکار بردن سبب توکل (که ایمان باشد) در جای خود توکل مؤمنین را امر به توکل نموده و می‌فرماید:" وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ"، یعنی مؤمنین به سبب اینکه ایمان به خدا دارند و ایمان دارند به اینکه ناصر و معینی جز او نیست باید فقط بر او توکل کنند.(طباطبایی،۱۳۷۴: ۸۷/۴)» این آیه به وضوح ارتباط بین توکل و امید به پیروزی را بیان می‌کند. وقتی مؤمن بداند که قدرت یاری‌رسان اصلی فقط خداست و هیچ کس بدون اراده او نمی‌تواند یاری‌رسان باشد، تمام امیدش به او بسته می‌شود و دیگر از شکست

و ناکامی نمی‌هراسد. این توکل، نه تنها آرامش درونی می‌آورد، بلکه شور و امید به پیروزی را در دل مؤمن زنده نگاه می‌دارد.

۵- «توکل» و حل مشکلات از منظر روایات معصومین (علیهم السلام)

توکل، سرمایه اصلی یک مؤمن است که او را در برابر طوفان‌های زندگی مقاوم می‌سازد و درهای رحمت و گشایش الهی را به رویش می‌گشاید. با درک صحیح حقیقت توکل، دوری از موانع آن و عمل به دستورات الهی و اهل بیت (ع)، می‌توان به این مقام والا دست یافت و طعم شیرین آرامش و اطمینان را در زندگی تجربه کرد. دربخش قبلی به چند آیه در این مورد ادامه شد و در این بخش به روایات مرتبط می‌پردازیم.

۵-۱- توکل، کلید گشایش امور

روایات متعددی نیز این مفهوم را تأیید می‌کنند. یکی از آنها از حضرت امام علی (ع) است:

حدیث از امام علی (ع):

۱. امام علی (علیه السلام):«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ ذَلَّتْ لَهُ الصِّعَابُ وَ تَمَهَّدَتْ لَهُ الْأَسْبَابُ»

هر که بر خدا توکل کند، سختی‌ها برای او هموار شود و اسباب (کارهای دشوار) برای او مهیا گردد.» (تمیمی آمدی،۱۳۸۳: ح ۸۸۶۳).

توضیح روایت: این روایت به صورت بسیار گویا، اثر توکل را در حل مشکلات و آسان شدن سختی‌ها بیان می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید کسی که به خدا اعتماد کند، حتی سخت‌ترین موانع برایش نرم و هموار می‌شود و راه‌های رسیدن به مقصود برایش باز می‌گردد، حتی اگر در ابتدا ناممکن به نظر برسند. این نشان می‌دهد که توکل نه تنها آرامش روانی می‌آورد، بلکه به صورت عملی نیز در گشایش امور و حل معضلات مؤثر است.

۲. امام علی(ع):«لَا تَجِدَنَّ رِزْقاً إِلَّا الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ كُلُّهَا سَائِقاً لَهُمْ.»

«روزی را جز برای متوکلان بر خدا نمی‌یابی، اگرچه تمام زمین آنان را براند.» (یعنی حتی اگر تمام مردم و اسباب با او مخالف باشند، روزی‌اش از سوی خدا خواهد رسید) (مجلسی، ۱۳۱۵ق: ۱۵۰/۶۸).

این روایت نیز امیدواری عمیقی را در دل متوکل ایجاد می‌کند. بیان می‌کند که روزی و نعمات الهی تنها شامل حال کسانی می‌شود که به خدا توکل دارند، حتی اگر با مشکلات و موانع عظیمی روبرو شوند. این امیدواری به تأمین رزق و حل مشکلات از سوی خداوند، آرامش خاطر بزرگی را به همراه می‌آورد و از نگرانی‌ها می‌کاهد (این روایت در هر دو بخش یعنی هم تحت عنوان احادیث مربوط به حل مشکلات و هم ایجاد آرامش قابل استناد است).

این‌ها نمونه‌های بارزی هستند که به وضوح نشان می‌دهند توکل در نگاه قرآن و روایات، ابزار قدرتمندی برای مقابله و حل مشکلات و سختی‌های زندگی است. توکل نه تنها به حل مشکلات کمک می‌کند، بلکه منبع عظیمی از امید و آرامش برای مؤمنان است. در اینجا چند آیه و روایت مهم را که به این جنبه از توکل اشاره دارند، معرفی می‌کنم:

۵-۲- آرامش روحی و روانی در سایه توکل

۱. حدیث از امام صادق (ع):

«التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ: أَنْ لَا تَرْجُوَ أَحَداً سِوَاهُ.»

توکل بر خدا این است که به هیچ کس جز او امید نبندی»(کلینی،۱۴۰۷ق:۶۵/۲).

این تعریف کوتاه و جامع از توکل، مستقیماً به مفهوم امید (رجاء) می‌پردازد. وقتی انسان تمام امید خود را از غیر خدا قطع کند و تنها به او دل ببندد، به آرامشی عمیق دست می‌یابد؛ چرا که می‌داند تکیه‌گاهش قدرتمندترین و مهربان‌ترین تکیه‌گاه است و هیچ چیز از دایره قدرت و رحمت او خارج نیست. این قطع امید از مخلوقات و تمرکز بر خالق، منبعی عظیم از آرامش درونی است.

این آیات و روایات به خوبی نشان می‌دهند که توکل چگونه می‌تواند نه تنها مشکلات را حل کند، بلکه ریشه‌های اضطراب و ناامیدی را خشکانده و جای آن را با امید و آرامش پایدار پر کرد. توکل نه تنها به حل مشکلات کمک می‌کند، بلکه منبع عظیمی از امید و آرامش برای مؤمنان است. امید، یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان برای ادامه زندگی است. با داشتن امید، انسان قادر است در برابر سختی‌ها و مشکلات مقاومت کند و به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار باشد. توکل، به عنوان یک منبع الهی، می‌تواند امیدواری را در دل انسان زنده کند. با توکل، انسان به این باور می‌رسد.

۲. حدیث از امام رضا (ع):

«الإمامُ الرِّضا علیه السلام ـ لَمّا سُئلَ عَن حَدِّ التّوكُّلِ ـ :أن لا تَخافَ مَع اللّهِ أحَدا»

امام رضا (ع) ـ در پاسخ به سؤال از حدّ توکّل ـ فرمود: اینکه با خدا از احدی بیم نداشته باشی.

این حدیث به شکل کاملا مستقیم امیدواری و آرامش را در توکل به خدا نشان می‌دهد. و حضرت می‌فرمایند کسی که بر خدا توکل کند نه از چیزی بیمی دارد و نه به کسی نیاز دارد چرا که به منبع لایزال الهی متوکل و متوسل است.

۳. حدیث از امام علی (ع):

«لَا تَجِدَنَّ رِزْقاً إِلَّا الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ كُلُّهَا سَائِقاً لَهُمْ.»

«روزی را جز برای متوکلان بر خدا نمی‌یابی، اگرچه تمام زمین آنان را براند.» (یعنی حتی اگر تمام مردم و اسباب با او مخالف باشند، روزی‌اش از سوی خدا خواهد رسید.) (مجلسی، ۱۳۱۵ق:۱۵۰/۶۸)

این روایت نیز امیدواری عمیقی را در دل متوکل ایجاد می‌کند. بیان می‌کند که روزی و نعمات الهی تنها شامل حال کسانی می‌شود که به خدا توکل دارند، حتی اگر با مشکلات و موانع عظیمی روبرو شوند. این امیدواری به تأمین رزق و حل مشکلات از سوی خداوند، آرامش خاطر بزرگی را به همراه می‌آورد و از نگرانی‌ها می‌کاهد.(این روایت در هر دوبخش یعنی هم تحت عنوان احادیث مربوط به حل مشکلا و هم ایجاد آرامش قابل استناد است)

۴. حدیث از امام الباقر (ع):

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللّه لایُغْلَبُ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِاللّه لایُهْزَمُ» (صدوق،۱۳۸۵: ۳۲۲)

(هر کس به خدا توکل کند، مغلوب نشود و هر کس به خدا توسل جوید، شکست نخورد).

و اینکه هر شخصی با شنیدن این حدیث از عدم شکست خود مطمئن گردد قطعا امیدوار خواهد شد.

حالت توکل در روح انسان، آدمی را به این اعتقاد سوق می‌دهد که فاعل مؤثری جز خدا و قدرتی بالاتر از او نیست. به عبارت دیگر حکمت خدا بالاترین حکمت‌هاست و تمام موجودات تحت لوای قدرت وی و تسبیح‌گوی اوست. معنای کلامی توحید را اگر ملاحظه کنیم به این معنی می‌رسیم که بیش از یک اصل فاعلی در جهان موجود نیست و مابقی اسباب هستند. چنین کسی ضمن استفاده از اسباب، مسبب‌الاسباب را فراموش نمی‌کند. فرد متوکل ضمن اینکه برای رسیدن به موفقیت تلاش می‌کند خواست خدا را هم در نتیجه آن مؤثر می‌داند و به او اعتماد دارد. چنین فردی اگر در کارها حتی موفق هم نشد احساس یأس و اضطراب نمی‌کند و اگر هم موفق شد دچار غرور و خودخواهی نمی‌گردد. یعنی اسناد امور را به خداوند متعال وامی‌نهد، اسناد امور به خدا عبارت است از اعتقاد به اینکه تمام اتفاقات با علم و خواست خداوند در عالم رخ می‌دهد و هیچ اتفاقی نمی‌افتد مگر با خواست و علم خداوند متعال (غباری، ۱۳۷۷) اسناد کارها و اتفاقات به خواست خدا در آرامش روحی و سکینه قلبی طبعاً اثر می‌گذارد و در طمأنینه و آرامش انسان بی‌نهایت مؤثر است، توکل، اضطراب و تشویش را در فرد متوکل از بین می‌برد. در حقیقت اشخاص متوکّل به پناهگاهی پناه می‌برند که باب آن بسوی امیدواری گشوده شده و بطرف ناامیدی بسته است (غباری بناب،۱۳۷۷: ۱۰۴-۱۱۷). چون آرامش، یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت روانی انسان است و با داشتن آرامش، انسان قادر است با استرس‌ها و فشارهای زندگی به طور مؤثرتری مقابله کند و از زندگی خود لذت ببرد. توکل، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد آرامش درونی داشته باشد. با توکل، انسان به این باور می‌رسد که خداوند مراقب اوست و او را در برابر خطرات محافظت خواهد کرد. این باور، به انسان احساس امنیت و آرامش می‌بخشد.

علاوه بر احادیث اهل بیت احادیث زیادی هم در کتب اهل سنت وجود دارد که به عنوان نمونه به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

۵. حدیث از صحیح مسلم:

عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَیْضًا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: "لَکُمْ أَن تَتَکِلُوا عَلَی اللّهِ فِی کُلِّ شَیْءٍ، وَمِنْ لا یَتَوَکَلْ عَلَی اللّهِ یُصِبُهُ النُّقَصَانُ، فَمَنْ تَوَکَّلَ عَلَی اللّهِ کَفَاهُ."

از ابی هریره نیز روایت شده که پیامبر (ص) فرمود: "برای شماست که بر خدا توکل کنید در هر چیزی، و هر کس بر خدا توکل نکند، دچار نقصان خواهد شد، و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی خواهد بود."(مسلم نیشابوری،۱۳۲۹ق: ح ۲۷۲۱).

حقیقت توکل هنگام اعتماد بر خدا، یاری خواستن از او در هر حالی، استفاده از اسباب مشروع و کوشش مطابق سنت‌های طبیعی و اجتماعی ظاهر می‌گردد، نتیجه‌ی توکل هم آن است که شخص به قضا و قدر خدا خشنود می‌شود و به انسان، قدرت و جرأت و شجاعت می‌بخشد. خداوند فرموده‌است:

«وَعَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (ابراهیم/۱۱)

«یعنی توکل کنندگان فقط بر خدا توکل می‌کنند».

ابن عباس از پیامبر نقل کرده که فرمود: «هرکس دوست دارد که قوی‌ترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند» (طبرسی، ۱۳۸۵ق:۲۳/۱).

تحلیل و بررسی

با بررسی آیات و روایات، می‌توان به این نتیجه رسید که توکل، دارای دو بعد اصلی است:

۱. بُعد نظری (شناختی): شناخت صفات الهی و ایمان به توحید، زمینه را برای توکل فراهم می‌کند.

۲. بُعد عملی (رفتاری): توکل، در عمل به صورت اعتماد به خدا، تلاش برای رسیدن به اهداف، و عدم وابستگی به غیر خدا تجلی می‌یابد.

آیات قرآن، بیشتر بر بعد نظری توکل تأکید دارند و آیاتی که در مقاله به آن‌ها اشاره شده، عمدتاً بر ارتباط توکل با توحید افعالی، ربوبیت الهی، علم و قدرت مطلق خداوند و حکمت و رحمت واسعه او تأکید دارند. در حالی که روایات، بیشتر تأکید بر جنبه‌های عملی و آثار توکل دارند. برای مثال: حدیث امام علی (ع): «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ ذَلَّتْ لَهُ الصِّعَابُ وَ تَمَهَّدَتْ لَهُ الْأَسْبَابُ»: این حدیث، نشان می‌دهد که توکل، باعث می‌شود سختی‌ها آسان شوند و راه‌ها برای انسان هموار گردند. این اثر عملی توکل، نشان‌دهنده اهمیت آن در زندگی است. با این حال، این دو بعد مکمل یکدیگر هستند و نمی‌توان یکی را بدون دیگری در نظر گرفت. توکل واقعی، زمانی محقق می‌شود که انسان هم شناخت درستی از خدا داشته باشد و هم در عمل به او اعتماد کند.این تحلیل نشان می‌دهد که توکل، یک مفهوم عمیق و چندبعدی است که نیازمند شناخت دقیق و عمل به آن در تمام جنبه‌های زندگی است.

نتیجه‌گیری

توکل، به عنوان یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی، نقش مهمی در تسهیل حل مشکلات، تقویت امیدواری و ایجاد آرامش درونی ایفا می‌کند. با توکل به خداوند، انسان قادر است با چالش‌های زندگی به طور مؤثرتری مقابله کند، امید خود را حفظ کند و از زندگی خود لذت ببرد. برای تقویت توکل در زندگی، می‌توان از راهکارهای متعددی مانند تقویت ایمان، یادآوری نعمت‌های خداوند، دعا و نیایش، مطالعه داستان‌های افراد متوکل، و عمل به وظایف دینی استفاده کرد.

این مقاله با بررسی ژرف‌نگرانه به مفهوم توکل و تکیه بر خداوند در آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، به این نتیجه دست یافت که توکل، نه‌تنها یک اصل اساسی در دین اسلام، بلکه یک راهکار عملی برای بهبود کیفیت زندگی و دستیابی به آرامش و امید است. بررسی ۴۸ آیه از قرآن کریم نشان داد که خداوند متعال در موارد متعددی بر اهمیت توکل و آثار مثبت آن در زندگی انسان‌ها تاکید کرده است. این آیات بیانگر آن هستند که توکل، موجب افزایش صبر و استقامت در برابر مشکلات، رضایت به قضاء الهی، عزت و بی‌نیازی از خلق، ایجاد امیدواری به آینده، تقویت اعتماد به نفس و در نهایت، دستیابی به موفقیت و سعادت در دنیا و آخرت می‌شود.

علاوه بر آیات قرآن، احادیث متعددی نیز از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در خصوص اهمیت توکل و آثار آن در زندگی وارد شده است. این احادیث، توکل را به عنوان یک فضیلت اخلاقی و یک عامل مهم در جلب رضایت خداوند و دستیابی به کمالات انسانی معرفی می‌کنند. با توجه به بررسی آیات و احادیث و همچنین تفاسیر ارائه شده، می‌توان به این نتیجه رسید که توکل، یک نیروی محرکه قوی در زندگی انسان است که او را در برابر مشکلات و چالش‌ها مقاوم‌تر می‌کند و به او امید و آرامش می‌بخشد. توکل، به انسان می‌آموزد که در هر شرایطی به خداوند اعتماد کند و از او یاری بخواهد، زیرا اوست که قادر به حل تمام مشکلات و برآورده کردن تمام نیازها است.

بنابراین، توصیه می‌شود که همه افراد جامعه، با شناخت عمیق‌تر مفهوم توکل و عمل به آن در زندگی روزمره خود، از آثار مثبت آن بهره‌مند شوند و زندگی سرشار از امید، آرامش و موفقیت را تجربه کنند. امید است این مقاله بتواند گامی موثر در جهت ترویج فرهنگ توکل و ارتقای سطح زندگی معنوی و مادی افراد جامعه باشد.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ابن ابی الدنیا، عبدالله محمد، (۱۹۹۰ق)، مکارم الاخلاق، چاپ اول، مصر-بولاق.

۳. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق) معجم المقاییس الغة، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت، دار صادر بیروت.

۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۳)، غررالحکم و دررالکلم، چاپ هشتم، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث.

۶. تهاتوی، محمد علی بن علی، (۱۹۹۶م)،کشاف اصطلاحات فنون و العلوم، چاپ اول، بیروت، بی نا.

۷. جوادی آملی، عبدالله و حجت الاسلام مصطفی پور، (۱۳۹۲)، «یادآوری نعمت با تکیه بر توکل»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۳۷۵ ، شماره پیاپی۳۷۶.

۸. حجاج نیشابوری، مسلم، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربیه.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفرات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالشامه.

۱۰. رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، ترجه محمد دشتی، قم، الهادی.

۱۱. سیوطی، الجلال الدین، (۱۳۱۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمآثور، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.

۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۸ق)، الرعایة فی علم الدرایة، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، بی نا.

۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۵)، معانی الاخبار، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه،(۱۲۷۵ق)، کتاب جمکران، چاپ سوم، بی جا، بی نا.

۱۵. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۳۹۲) العروة الوثقی، چاپ اول، بیروت، دارتهران، دریای معرفت.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۰)، الشریف الرضی، چاپ چهارم، قم، بی نا.

۱۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵) مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مکتبۀ المرتضویه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴)، تهذیب الأحکام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، بی نا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹)، التبیان فی التفسیر القرآن، چاپ اول، لبنان، دار احیاء التراث العربیه.
۲۱. عسگری، ابوهلال، (۱۴۰۰ق)، الفروق الغویه، چاپ اول، بیروت، دارالآفاق الجدیدۀ.
۲۲. غباری بناب، باقر،(۱۳۷۷)، «توکل به خدا»، مجله قبسات، ش ۸ و ۹، تابستان و پاییز، ۱۰۴-۱۱۷.
۲۳. فخر رازی، محم بن عمر، (۱۹۹۹م)، مفاتیح الغیب، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۳۸۳ق)، اَلْمَحَجَّةُ الْبَیْضاء فی تَهْذیبِ الْاِحْیاء، جامعه مدرسین، چاپ چهارم، بی جا، بی نا.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، چاپ اول، لبنان، بیروت، موسسه الرساله.
۲۷. مجلسی، محمد تقی، (۱۳۱۵ق)، بحار الانوار، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، ترجمه قرآن کریم، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۳۱. نجفی جواهری، محمد حسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۳۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۷۱)، تفسیر رهنما، چاپ اول، بوستان کتاب.